

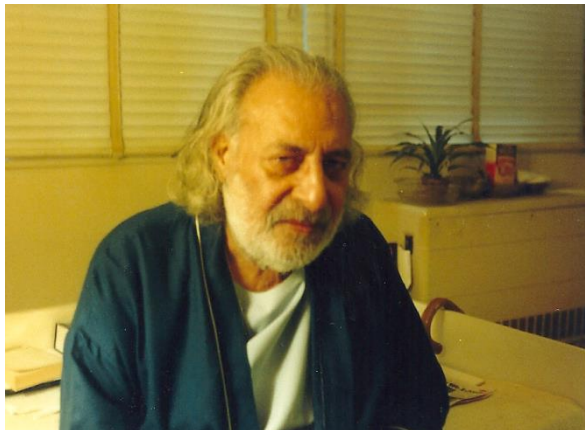


۲۰۲۰/۰۲/۲۵



احسان الله مایار

به مناسبت بزرگداشت قیام سوم حوت کابل



فرزندان نیک افغان با بلند نظری و پاکفشی به وطن و مردم خود خدمت نمودند و در مبارزه علیه دشمنان خاک و مردم بیم نداشتند.

عبدالرحمن پژواک را که به دوستی این رادمرد افغان مباحث می کنم، شاعر و سیاستمداری دلباخته میهنش بود که شور زندگی و قلم وی در خاطره های مبارزین راه آزادی و وطندوست امروز و نسل های آینده ملت افغان بحق زنده نگه خواهد ماند.

مرحوم عبدالرحمن پژواک

عبدالرحمن پژواک که در زمان اشغال وطن محبوبش افسرده حال در جمال مینه کابل زندگی می کرد با کمال مردانگی علیه استیلا میهنش توسط قوای سرخ و همکاران دون همت شان به نام افغان مبارزه می کرد. دوستان پژواک به وی اطلاع می دهند که امروز دختری به نام "ناهید" در جاده وزارت معارف در برابر تانکی که راننده آن کسی به نام افغان بود، از میان دختران و پسران محصل جدا شده و در مقابل تانک مانند فرشته مانع پیش رفتن آن شده است. نامردی در پناه تانک روسی ماشه تفنگ را به حرکت آورده و در آن لحظه روز شهادت دخت افغان، ناهید در اوراق تاریخ میهن داغ دیده صد ها هزار انسان هموطن ما جاویدانه رقم گردید. پژواک بزرگ که قلمش یگانه وسیله جنگش با دشمن است به دست گرفته و درد شهادت دختر افغانش را که روان ملالی از جنگ میوند در وجودش می دمد سرودی نثار خاک پای ناهید می نماید. اینک چکامه آن مرد نیکو سیرت عبدالرحمن پژواک را که در روز شهادت دخت افغان، ناهید، سروده است در هفته سالگرد روزهای تار بدبختی و تباهی میهن عزیزم توسط باند جنایتکار پرچی و خلقی از نظر خوانندگان گرامی می گذرانم.

این سرود سوزانش در اثر بنده "قیام ملت افغان" ثبت است و این تصویرش در روز عیادتش در واشنگتن یاد گاری است که نزد من نهایت قدر دارد.

پژواک در میهنش محبوبش در منزل ابدی خود مقامی بزرگی را دارا است که ملت افغان به اسمش ، خدماتش و سرود های نابش می نازند و می بالند.

روانش شاد و جنت مکانش و اینک می رویم به سراغ مرثیه وی به بزرگ داشت " دخت افغان ناهید شهید" که زیر عنوان "نامه" سروده است.



دخت افغان، ناهید شهید

نامه

این نامه داستان شهیدان کشور است
از خون های ناحق دوشیزگان تر است
این دختران مبارزه با روس کرده اند
جان را فدای نخوت و ناموس کرده اند
این دختران ره به رزمگه نبرده اند
در شهر روی جاده سنگفرش مرده اند
کرده حنا و غازه شادی ز خون سرخ
با مرگ خویش طعنه بما زندگان زدند
تکبیر حق بلب ره آزادگان زدند
از خود گذاشتند پیامی بنام حق
فارغ ز درد و رنج روان شاد گشته اند
از بندگی ای اجنبی آزاد گشته اند
تا چشم شان ز شرک نیفتد بر روی ننگ
رو در نقاب خواب کشیدند بیدرنگ
این دختران به جنگ نبسته میان خویش
شمشیر ها نه آخته جز از زبان خویش

فریاد از اسارت و بیداد کرده اند
شیون بنام کشور آزاد کرده اند

اینان مثل غیرت و ایمان کشورند
جاوید زنده در دل و وجدان کشورند

این دختران خاطرۀ عشق میهن اند
قربانیان وحشت و بیداد دشمن اند

" ناهید" و خواهرانش چو ما زنده نیستند
آزاد می زیند چو ما بنده نیستند

بر یاد شان سرود و ستایش درود ماست
بر نام شان درود و نیایش سرود ماست

کابل، جمال مینه

